



از کلاس برو بیرون!

مشکلات را به وجود می‌آورد. وظیفه‌ی معلم نه‌تنها پیدا کردن راهی است که هر دانش‌آموز را به یادگیری تشویق کند، بلکه شناخت و از بین بردن عواملی است که باعث بروز رفتار نامناسب می‌شوند.

برای حل مشکل علی سعی کردم عوامل مشکل‌ساز را شناسایی و نسبت به رفع آن‌ها اقدام کنم. بنابراین، به نیازهای جسمی، عاطفی و روانی او بیشتر توجه کردم. فرصتی ایجاد کردم که علی بتواند به رفتارهای نامناسب خود فکر کند. هیچ‌گاه او را تنبیه بدنی، تحقیر یا مقایسه نکردم. در کلاس خود از مهارت‌های ارتباطی مانند گوش دادن، ابراز وجود، حل مسئله و تصمیم‌گیری استفاده کردم. چندین جلسه با علی حرف زدم و به مسائل او گوش دادم. در هنگام تدریس

اولین سال معلمی خود را در مدرسه‌ای در یک محله‌ی شلوغ و پرجمعیت آغاز کردم. ۴۵ دانش‌آموز پسر پایه‌ی چهارم در کلاس خود داشتم. یکی از دانش‌آموزانم به نام علی، باهوش اما خیلی شلوغ بود. در کلاس زیاد و بدون فکر حرف می‌زد و نمی‌توانست خشم خود را کنترل کند.

عادت داشتم دانش‌آموزانم را با اسم کوچک مورد خطاب قرار دهم تا هم نام آن‌ها را بیاموزم و هم رابطه‌ای دوستانه با آن‌ها برقرار کنم. متأسفانه وقتی از علی سؤالی می‌پرسیدم، سطحی پاسخ می‌داد. اگر به او می‌گفتم پاسخ اشتباه است، عصبانی می‌شد و شروع به سروصدا و پرخاشگری می‌کرد. ماه اول سعی کردم او را در بحث‌های کلاس شرکت دهم. گاهی نیز او را به سکوت ترغیب می‌کردم تا به کلاس و درس توجه کند. اما مشکل همچنان باقی بود. در طول سال‌های تحصیلی گذشته، علی مشکلات زیادی را تحمل کرده بود. او مدام به دفتر مدرسه فرستاده شده بود، به حالت تعلیق از مدرسه درآمده یا به اجبار روزهایی را در خانه سپری کرده بود. این اتفاقات مشکل او را شدیدتر کرده بودند. هر روز رفتارش بدتر از قبل می‌شد. خشم علی همواره کلاس را به هم می‌ریخت. وقتی او در کلاس نبود، کلاس آرام بود و می‌توانستم فعالیت‌های زیادی را در کلاس انجام دهم. اما بالاخره دوباره به کلاس برمی‌گشت و همان

و انجام فعالیت‌های کلاسی، به علی فرصت‌هایی را برای نشان دادن توانایی خود به هم‌کلاسی‌هایش دادم. با والدین او صحبت کردم و خواستم او را به باشگاه ورزشی یا کلاس‌های هنری ببرند تا بتواند خود را تخلیه کند. در منزل، تا جایی که می‌توانند، به او فرصت ابراز اعمال کودکانه را بدهند. از مشاور مدرسه خواستم در جلساتی رفتار پرخاشگرانه‌ی علی را ریشه‌یابی کند. خودم هم به او اجازه دادم هر موقع احساس کرد عصبانی یا خشمگین است، دقایقی از کلاس خارج شود تا عصبانیتش فروکش کند و بعد به کلاس برگردد.

به‌کارگیری این روش‌ها خیلی تأثیر داشت و رفتار علی را بسیار تغییر داد. او دیگر به صحبت‌های من و هم‌کلاس‌هایش گوش می‌داد و در فعالیت‌های کلاسی شرکت می‌کرد. دادن قدرت ترک کلاس به علی، به او نشان داد حق انتخاب دارد که چگونه رفتار کند.

